

دختر کوچک امسال وارد پیش دبستان شده است. او را در مدرسه‌ای ثبت‌نام کرده‌ایم، که سال‌ها پیش دختر بزرگم نیز در آن درس خوانده بود. آموزشگاهی دولتی که ما آن سال‌ها هیچ نقصی در اداره‌اش ندیدیم و خیلی خوشحال بودیم که هنوز برخی مدارس دولتی با کیفیت و موفق، پا به پا و حتی برتر از مدرسه‌های غیردولتی معروف و بنام خودی نشان می‌دهند و امیدها را زنده نگه می‌دارند. اکنون هم که چند ماهی از آغاز سال تحصیلی جدید و حضور دختر کوچکم در این واحد آموزشی گذشته است، نکته منفی و آزاردهنده‌ای که اذیت‌مان کند، مشاهده نشده است. ولی ما هنوز نگرانیم، نگرانی از برخی روش‌های ساختگی و غیر علمی که ممکن است در برخی واحدهای پیش دبستانی شاهد آن باشیم. بهتر است این نگرانی‌ام را با خاطره‌ای پیش‌تر توضیح بدهم.

قبل از مهرماه امسال که دختر کوچکم را به‌طور کامل به پیش دبستانی سپاریم، با تلاش‌های وافر مادرش - که جا دارد در این نوشته از زحمات وی به‌طور ویژه‌ای تشکر کنم - فرهنگسراها، خانه‌های فرهنگ و مکان‌هایی را پیدا می‌کردیم که در ارائه خدمات به کودکان تلاش می‌کردند. دلمان نمی‌خواست فرزندمان به‌طور کامل و به‌طور رسمی و اداری در کار آموزش وارد شود، بلکه می‌خواستیم حضورش در این عرصه، داوطلبانه، از سر ذوق، انعطاف‌پذیر و با در نظر گرفتن حجم محدودی از ساعات باشد. بنابراین در دو سه سال گذشته، او در انواع و اقسام برنامه‌ها و دوره‌ها شرکت کرد، بدون آن که دلزده شود و یا از سر ناچاری باشد. یکی از دوره‌هایی که او را در آن ثبت‌نام کردیم، آموزش قرآن به خردسالان بود که از قرار معلوم با بهره‌گیری از روش‌هایی خاص (اشاره و...) و انتخاب آیات و قسمت‌هایی از قرآن صورت می‌پذیرفت. کلاس پویا و شادی بود و دخترمان از حضور در کلاس لذت می‌برد. از ایجاد حس انس با قرآن که جزو تأکیدات آموزش قرآن در پیش دبستانی است و در مجله رشد آموزش پیش دبستانی بارها درباره آن صحبت شده است، چیز چشم‌گیری نمی‌دیدیم، ولی شاد بودن کلاس، استفاده از نقاشی، تمثیل و ریتم دادن به برخی سرودها و اشعار مزیت‌هایی بود که به چشم می‌آمد. آن چیزی که ما را ناراحت و به آینده نگران کرد، روشی بود که مربی محترم این دوره قرآنی در پایان کلاسش به کار بست که البته به شروع دوره دیگری منتهی می‌شد. در پایان دوره، او از بچه‌ها امتحان گرفت، به آن‌ها نمره داد و دختر مرا که هنوز پنج سالش کامل نشده بود، در درس قرآن به نمره ۱۷ مفتخر ساخت. عصر آن روزی که وارد خانه شدم، دخترم بلافاصله لب به شکایت گشود و با بغضی فرو خورده و چهره‌ای مغموم، از این که «خانم» به او ۱۷ داده است، گله کرد. اصلاً نمی‌دانم آیا او مفهوم انتزاعی عدد ۱۷ را می‌داند (تا ده را می‌شمارد، ولی با توجه به ویژگی‌های رشدی او می‌دانم که هنوز به غیر از چند مورد خاص، مفهوم اعداد را نمی‌داند)؛ آیا بین او و قرآن انس ایجاد شده است؟ آیا این دوره‌های کوتاه مدت توانسته‌اند، او را برای ورود به دوره نیمه‌رسمی پیش دبستانی و دوره رسمی بعد از آن (دبستان) آماده کنند؟ آیا



پیش دبستانی نمره‌ای!

مر تفضی مجدفر

در این دوره‌ها، جامعه‌پذیری و آمادگی کودک من برای هم‌زیستی، همراهی و همکاری با سایر کودکان برآورده شده است که از دیگر اهداف دوره پیش دبستانی است؟ آیا درحالی که حتی در دوره ابتدایی، به مرور حاکمیت نمره در حال انقراض و ارزشیابی توصیفی در حال جایگزین شدن نظام نمره‌ای است، می‌توان شاهد استفاده از نمره و جاری ساختن فرهنگ بیست‌طلبی در دوره پیش دبستانی بود؟

قدری به او توضیح دادم و گفتم که احتمالاً اشتباه شنیده است و ما در «داره» (می‌داند که من آموزش و پرورش هستم و در مجلات رشد کار می‌کنم) به معلم‌ها گفته‌ایم که در واقع نمره همه بچه‌ها ۲۰ است و به عبارتی اصلاً نمره نداریم. بعد، درحالی که شماره‌ای را می‌گرفتم، وانمود کردم که با معلم قرآنش صحبت می‌کنم و پس از آن با چهره‌ای بشاش، شروع به تکرار چند جمله کردم: «خانم قرآن می‌گه بهار آیه‌ها رو بلده، داستانش را می‌دونه، نقاشی‌هایش را کشیده و دختر خیلی خوبیه!»

این بخش آخری حرف‌هایم هیچ ربطی به بقیه نداشت، ولی بی‌اختیار آن را هم گفتم. البته مادرش اجازه داشت در کلاس نزد او بنشیند، اجازه‌ای که به همه مادرها داده شده بود. خوب، این خود حسنی بود و حتی باعث می‌شد با تلفن همراه از کلاس

فیلم‌برداری کند و بارها آن را در منزل برای دخترمان پخش کند. او علاقه عجیبی به فیلم‌های کلاس داشت، ولی بعد از ماجرای نمره‌گذاری ۱۷، به شکل خاصی نسبت به دیدن فیلم‌هایی علاقه شده بود. حالا متوجه هستید که چرا من نگرانم؟! امیدوارم همه ما دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت

کودکان بدانیم و آگاه باشیم که باید همواره یاد بگیریم و در نظر داشته باشیم که اکنون

علوم رفتار با کودک، تعلیم و تربیت، روان‌شناسی و شیوه‌های برخورد با

کودکان پیش دبستانی و برنامه‌های درسی و آموزشی مرتبط با هر یک

(خواندن، علوم، قرآن، ریاضیات، و ...)

آن قدر توسعه و پیشرفت کرده‌اند که ما اجازه نداریم

رفتاری خودسرانه و بدون مبانی علمی را از خود

بروز دهیم.

